



۲۰۱۲/۱۲/۱۲

داکتر عبدالرحمن زمانی

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی: کامیابی توطئه ها و ماستر پلان انگلیس

(قسمت ۳۹)

کمک های نظامی و مالی انگلیس ها در رساندن محمد نادرخان به سلطنت

رسیدن مدعیان تاج و تخت کابل به قدرت، بدون پول و اسلحه امکان نداشت. محمد نادرخان که باتن رنجور و دست خالی از فرانسه برگشته بود، بدون کمک انگلیس هانمیتوانست از عهده مسلح ساختن و مصارف اعاشه چند هزار نفر لشکر قبایلی برآید.

طوری که قبلاً نیز ذکر شده است، انگلیس ها بنا بر دلایل متعدد، پالیسی نام نهاد غیر جانبداری را اعلام و تلاش و پافشاری داشتند تا کمک به محمدنادر خان و مداخلات خود در امور داخلی افغانستان را مخفی نگهدارند. محمدنادرخان هم طوریکه از ورود به هند گرفته تا رسیدن به پشاور و رفتن به سمت جنوبی و لوگر بصورت متواتر به آزادیخواهان هند و افغانها راجع به هدف اصلی خویش دروغ میگفت، که گویا در آمدن به افغانستان مقصد شخصی ندارد، خودش مدعی تاج و تخت نبوده، تنها برای نجات وطن و برگشتاندن صلح و آرامش برگشته است، از احوال موجوده اعلیحضرت امان الله خان متأسف بوده و برای خیر شخصی شان و منافع جامعه کار خواهد کرد، و انتخاب پیشوا کار مردم افغانستان است، (۱) راجع به ارتباطاتش با انگلیس ها و کمک هائی که در رسیدن به تاج و تخت از آنها بدست آورده بود، همواره دروغ گفت.

یکی از بزرگترین دروغ های محمدنادر خان راجع به گرفتن کمک نظامی از انگلیس ها بود که افشای آن سبب اعتراض روشنفکران شده و از جمله عبدالهادی خان داوی که از طرف محمدنادرخان بحیث سفیر افغانستان در برلین مقرر شده بود، برسم احتجاج استعفا نموده، به کابل آمد و پس از چندی به زندان فرستاده شد.

محمد نادرخان برای بازی دادن روشنفکران و ملت افغان در محفل افتتاح شورای ملی نام نهاد سال ۱۳۱۰ قسمت زیادی از وقت خود را صرف توضیحات و شکایاتی نمود که چگونه انگلیس ها به او کمک نکردند، و او از هیچ کشور خارجی کمک نگرفته است. او گفت که «من امروز بحضور شما وکلای ملت اعلان مینمایم که من بجز فضل و رحم خدای قادر مطلق و فداکاری اهالی افغانستان بامداد هیچکدام دولت اجنبی کابل را فتح نکرده ام.» اما او گفت که بعد از رسیدن به تاج و تخت از انگلیس ها قرضه و کمک بی قید و شرط گرفته است: «سیاست من در افغانستان سر و راز ندارد، سیاست من در افغانستان آشکارا است. من میخواهم هر چیز را به شما واضح کنم تا شما از هر چیز واقف باشید و بکار های خود بدانید. وقتیکه من در کابل رسیدم و شما ملت باصرار و تأکید مرا پادشاه افغانستان انتخاب کردید، وزارت خارجه فوراً به تمام دنیا اعلان کرد... من بنابر اصول و قواعد بین المللی تمام معاهداتی را که حکومت سابق با دولت متحابه عقد کرده بود، تصدیق کردم دیگر هیچ معاهده سری و علنی ننموده ام. البته سال گذشته بعضی از دول بما امداد کردند، چنانچه حکومت بهیه برطانیا بدون کدام شرایط باافغانستان امداد کرد، این امداد عبارت است از یک لک و هفتاد و پنج هزار پوند قرض بلا سود، و ده هزار تنگ و پنجاه لک کارطوس، و چون این امداد میرا از هر گونه آلیشات سری و علنی است، و بدون شرایط است، من به ممنونیت قبول کرده ام.» (۲)

محمد نادر خان در بیانیه اش پول را قرضه بدون سود و اسلحه را کمک نامیده و وقت آنرا سال گذشته (۱۳۰۹ شمسی مطابق با ۱۹۳۰ میلادی) ذکر میکند. از طرف دیگر فریزر تینلر که از دوستان نزدیک خانواده نادرخان و سفیر انگلیس در کابل بود، در صفحه ۲۳۱ کتاب خود «افغانستان: مطالعه انکشافات سیاسی آسیای مرکزی و

د پانو شمیره: له 1 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼو والي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

جنوبی « مقدار این پول را پنج هزار پوند بیشتر یعنی یکصد و هشتاد هزار پوند ذکر نموده، هم پول و هم ده هزار تفنگ را تحفه سخاوتمندانه حکومت بریتانیا و سال آنرا ۱۹۳۱ مینویسد. (۳)

و اما از اسناد موجود در آرشیف انگلستان به اثبات میرسد که این کمک های انگلیس ها به محمد نادر خان در سال ۱۹۲۹ و بمقصد رساندن او به قدرت صورت گرفته است. تلگرام ۲۹ مارچ کمشنر عمومی در پشاور حاکمیت که شاه ولی خان از طریق خدران و شاه محمود خان از طریق منگل و آریوب، بتاريخ ۲۵ مارچ خوست را بمقصد گردیز ترک گفتند. نادر خان هم باید بتاريخ ۲۶ مارچ به همراهی لشکر خدران و صبری، که به آنها اسلحه داده است، از متون بطرف گردیز حرکت میکرد. اما بین لشکر خدران و منگل تنازع بر سر تقسیم اسلحه رخ داده است. نادر خان میکوشد منگلی ها را قانع سازند تا رسیدن به گردیز مسئله تقسیم را به تعویق اندازند، ولی منگلی ها فکر میکنند چالی در میان بوده، لذا نادر خان در کوشش هایش ناکام شده و در نتیجه جنگ بین خدران و منگل منجر به چور شدن بازار خوست شده است. حرکت محمدنادر خان بطرف گردیز هم به تعویق افتاده و شاه ولی خان و شاه محمود خان هم به خوست برگشته اند. (۴)

تلگرام بعدی کمشنر نشان میدهد که محمد نادر خان بعد از تقسیم یک هزار و پنجصد تفنگ به لشکر خدران و یک هزار و پنجصد تفنگ به لشکر منگل بتاريخ ۲۷ مارچ بطرف گردیز حرکت کرد. (۵) این سه هزار تفنگ از جمله همان ده هزار تفنگی بود که انگلیس ها به اساس راپور محمدنادر خان (که بزودی ذکر خواهد شد) برای لشکر ده هزار نفری اقوام مختلف تهیه دیده و توسط میکوناچی، پولیتکل ایجنت ایجنسی کرم (کسی که بعد از تخت نشینی محمد نادر خان بحیث سفیر جدید انگلستان در کابل مقرر شد) به او رسانده شد.

جالبتر اینکه انگلیس ها در همین وقت یکبار دیگر به پیغام امان الله خان که توسط یونس خان مستشار سفارت افغانستان در لندن به وزیر خارجه انگلستان داده شد و در آن اجازه خواسته شده بود تا ماشیندار های فرانسوی ای که در دوران سفر اروپای او خریداری شده و فعلاً در بندر کراچی اند، به قندهار فرستاده شوند، جواب رد دادند. (۶) آنها نوشتند که «چه تفنگ های خودکار امان الله خان به شخص او و یا حکومت افغانستان ارسال شده باشند، بی اهمیت بنظر میرسد، چون ما هیچ حکومتی را در افغانستان برسمیت نمی شناسیم و به محموله های شخصی هم تا وقتی اجازه نمیدهیم، که در افغانستان یک حکومتی که ما برسمیت شناخته باشیم، تأسیس نشده باشد.» (۷)

از اسناد دیگر موجود در آرشیف انگلستان میبینیم که محمد نادر خان بعد از رسیدن بقدرت هم از انگلیس ها اسلحه و پول گرفته است، و مقدر آن اسلحه دوچند اسلحه بود که در دوران تلاش های رسیدن به قدرت گرفته است. مثلاً سفیر انگلیس برای افغانستان بتاريخ ۱۹ می ۱۹۳۰ گزارش میدهد که ایم ای حکیم، معتمدشاه، بعد از گذشتادن یک ماه در کابل بمن بصورت محرمانه اطلاع داد که حکومت افغانستان به اساس وعده قبلی همفریز بزودی تقاضای کمک بیست هزار (۲۰۰۰۰) تفنگ و بیست میلیون مرمی را خواهد کرد. (۸) تلگرام ۱۲ جون سفیر انگلیس هم نشان میدهد که انگلیس ها از قبل این تحفه مخفیانه انگلیس ها به محمدنادر خان را مورد بحث قرار داده و تصویب نموده بودند، و این تحفه شامل تأدیة هفت لک (هفتصد هزار) روپیة پیشکی بود که حتی در ماه نومبر سال ۱۹۲۹ بعد از داخل شدن نادر خان به کابل تصویب شده بود. (۹)

در رابطه با کمک های مالی انگلیس ها به محمدنادر خان نیز چند مثال ذیل را طور نمونه از آرشیف انگلستان نقل میکنیم: معاون کمشنر بنو بتاريخ ۲۹ مارچ اطلاع داد که صاحبزاده محمد صدیق خان، یکی از اشخاصی که بحیث رابط معرفی شده بود، با نامه و پیغام شفاهی محمد نادر خان از خوست برگشته است و میخواهد آن نامه را شخصاً به سفیر انگلیس تسلیم کند. (۱۰) همفریز محتوای پیغامی را که قاصد محمدنادر خان آورده بود چنین گزارش داد: «من بعد از آن از حبیب الله خواهم خواست تا تخت کابل را، با شرایط سخاوتمندانه برای خود و پیروانش، رها کند. اگر او نیروی کافی ما را ببیند، قبول خواهد کرد. بعد از داخل شدن به کابل من جرگه نمایندگان تمام اقوام افغانستان را فراخواهم خواند. از آنها ما پارلمانی خواهیم ساخت که قانون اساسی را ساخته و صلاحیت های شاه آینده را تعیین کند. روشن است که افغانستان ازین به بعد توسط یک شاه مطلق العنان به آرامی اداره شده نمیتواند، بنابراین صلاحیت های شاه آینده باید به شدت محدود شوند. بعد از انجام این کار، نمایندگان اقوام شاه خود را کاندید نموده و تحت شرایط تعیین شده پارلمان تخت و تاج به وی پیشکش خواهد شد. از آنجائیکه به پیروان من باید پول داده شود، من برای ادامه این پروگرام به پول ضرورت دارم. بدون شک جنگ داخلی در افغانستان برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت، اگر برنامه من ناکام شود، افغانستان تجزیه خواهد شد.» (۱۱)

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

محمد نادر خان در ماه اپریل هم ایم ای حکیم ، نماینده شرکت ایبزر، را با چند مکتوب نزد کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی فرستاده و بصورت شفاهی تقاضای پرداخت پول نموده است. کمشنر گزارش میدهد که یکی ازین نامه های نادر خان که به فارسی بود تاریخ انگلیسی ۲۷ اپریل را داشت، و در آن خواسته شده بود که آنرا شخصاً بمن نشان دهد. در نامه گفته شده بود که ما پیشرفت خوبی داریم، توانسته ایم اقوام جنوبی و مشرقی را متحد سازیم، ولی به پول نیاز داریم . در نامه بعد از هدایت به حکیم که مبلغ پنج هزار (۵۰۰۰) روپیه را به ادرسی در پاراچنار و مبلغ پنج هزار (۵۰۰۰) روپیه را به حامل نامه تأدیه کند، ذکر شده بود که به حکومت [هند بریتانوی] مراجعه نموده بنام او [نادرخان] یا شخصاً و یا به نمایندگی از حکومت افغانستان قرضه بخواند.

یک تقاضای شفاهی دیگر محمدنادر خان برای پول در ماه می ۱۹۲۹ توسط ایم ای حکیم صورت گرفت. شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی درباره این پیغام محمدنادرخان نوشت که ایم ای حکیم این پیغام را در شفر گرفته و به او هدایت داده شده تا آنرا به همفریز رسانده و منتظر جواب بماند. در پیغام آمده است که «اقوام ولایات جنوبی و مشرقی بصورت مکمل از من حمایت میکنند و یک تعداد بزرگ جنگجویان را آماده ساخته اند. تنها مشکل من پول است . پولی که بتواند برای مدت کوتاهی غذای لشکر را تهیه نموده و از غارت دیگران جلوگیری کند. دادن فوری دولک روپیه هندی بمن نقش کلیدی برای تمام وضعیت را خواهد داشت.» محمد نادر خان در ختم این پیام به وعده هائی اشاره کرده بود که در اروپا به او داده شده و حال وقت پوره کردن آن آمده است. (۱۲)

محمدنادر خان بتاريخ ۲ جون ۱۹۲۹ سردار احمد علی خان را نزد مکنوناچی فرستاده تقاضای پول و اسلحه بیشتر نمود. ایجنت سیاسی انگلیس ها در گزارشش مبنی بر خلاصه گفتار سردار احمد علی خان نوشت که بزرگترین نیاز سردار نادر خان به پول است. او اسلحه بیشتر نیز میخواهد، اما با آنچه در دست دارد کارش را به پیش برده میتواند. (۱۳)

از یک سند دیگر آرشیف انگلستان (۱۵ جون ۱۹۲۹) هویداست که محمد نادر خان بعد از آنکه امان الله خان از کشور برآمد، و حضرت نورالمشایخ هم حمایتش را از وی (نادرخان) اعلام داشت، خود را زمامدار آینده افغانستان دانسته و در صدد گرفتن قرضه بنام افغانستان و دادن وعده های بلندوبالای قرارداد با شرکت های انگلیسی شد. حکومت ایالت سرحدی شمال غربی در یک مکتوب محرمانه خود کاپی نامه ایم ای حکیم به آقای لیلی، مسئول شعبه استخبارات را ضمیمه ساخته است که در آن حکیم مینویسد: جنرال محمد نادرخان به او نوشته است که شیر آغا (حضرت نورالمشایخ) تصمیم قطعی گرفته است از او حمایت کند. او باز هم از کمبود پول شکایت نموده و میخواهد بداند که آیا حالا در روشنی بیرون رفتن امان الله خان از صحنه حکومت انگلیس هاحاضر به پرداخت قرضه هست؟ اگر حکومت خواهان دیکته کردن شرایط خاص باشد، جنرال از من میخواهد با حکومت هند مذاکره نموده، به مرکز او رفته و بعد از مطرح نمودن موضوع، وکالت نامه او را حاصل، پس به هندبرگشته و بحیث نماینده با صلاحیت وی موضوعات مورد منازعه را با حکومت هند حل و فصل نمایم. ایم ای حکیم می افزاید که اگر حکومت هند بخواهد تنها خواهش من هم رفتن به شیشنوک برای دیدن جنرال میباشد. **جنرال [نادرخان] از من خواسته است به حکومت اطمینان بدهم که خانواده او مخلصاته خواهان تأسیس مناسبات نهایت دوستانه با حکومت هند بوده و مدام به بهترین وجه از طرف خود خواهد کوشید تا جلو تبلیغات خارجی را گرفته و هرگز فرصت گمان نینت سو حکومت افغانستان را به حکومت [هند] نخواهد داد.** (۱۴)

ازین اسناد و اسناد دیگر موجود در آرشیف انگلستان ثابت میشود که انگلیس ها نمیخواستند در رابطه با بعضی از موضوعات حساس سند تحریری بجا بگذارند، که البته کمک های مالی و اسلحه به محمدنادرخان نیز درین جمله شامل میباشند، و اکثر این پیام ها توسط اشخاص رابط دوطرف بصورت شفاهی رسانده میشد. مثلاً در یکی ازین اسنادحکومت هند بریتانوی به شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی هدایت داده است تا از ذکر نام اتحاد شوروی و موضوعات مهم سیاسی در تلگرام های رحمت خان، ناظر یاسرپرست سفارت انگلیس درکابل، جلوگیری کند. (۱۵) در یک سند دیگر ایجنت سیاسی از پاراچنار اطمینان داده است که «مطابق به هدایت تلگرام دیروزی حکومت ایالت شمال غربی، پیغام بصورت شفاهی به حاجی [محمد اکبر خان] داده شد. او به احتیاط یادداشت گرفت و من آنرا تصدیق کرده ام. من امروز آنرا درست نموده و او فردا نزد نادر میرود.» (۱۶)

تأکید بر مخفی نگهداشتن کمک ها و تحایف انگلیس ها به محمدنادرخان

آنچه در رابطه کمک های مخفی مالی و اسلحه انگلیس ها به محمدنادرخان قابل یادآوریست اصرار هردو طرف بر مخفی نگهداشتن آنست. انگلیس ها که این کمک ها را در مقایسه با توقعاتی که از رژیم خانواده محمد نادر خان داشتند، بسیار ناچیز میدانستند، به عوض تأدیة مستقیم آن به رژیم جدیدالتأسیس نادری در کابل، آنرا به ایم ای حکیم، ایجنت او، که تبعه هند بود و اسرار را حفظ میکرد، میداد. (۱۷)

تأکید و تشویش نادرخان در مخفی نگهداشتن این کمک ها تا اندازه بود که حتی سردار شاه ولی خان برادر نادرخان که بحیث سفیر جدید افغانستان در لندن تعیین شده بود، هم اختیار صحبت این مسایل را نداشت. شاه ولی خان هنگامیکه از راه هند به طرف انگلستان سفر میکرد در ملاقاتش با نورمن بولتن کمیشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور از مذاکره در باره پول پیشکی به رژیم نادری خودداری نموده اظهار داشت که او صلاحیت مذاکره درین زمینه را ندارد، ولی به نادرخان درین رابطه اطلاع خواهد داد. (۱۸) انگلیس ها در رابطه با این مخفی کاری، هوشیاری و احتیاط رژیم نادری نوشتند که «بدون شک در خانواده سلطان خیل [خانواده سلطان محمدخان طلائی] حساسیت و ظرافت آشکاری وجود دارد که در افغان های عادی دیده نمیشود. احتمالاً علت شاید تشویش نادرخان باشد که میخواهد در آغاز از هر آنچه اجتناب کند که احساس غلام بودنش را نزد مردم عمیقتر سازد.» (۱۹)

در رابطه با پنهان کاری رژیم خانواده نادر خان ذکر یک تلگرام از سفیر انگلیس در کابل عاری از دلچسپی نخواهد بود. سفیر انگلیس از کابل نوشت که «وزیر خارجه [فیض محمد خان زکریا] دیروز به ملاقات من آمد و مؤکداً درخواست کرد که هیچ مقاله الهام گرفته از منابع رسمی، که نشاندهنده خرسندی حکومت بریتانیا از روش حکومت نادر خان، و یا ترک پالیسی امان الله خان و قرار گرفتن تحت نفوذ بریتانیا باشد، نباید در مطبوعات نشر شود. دلیل این درخواست تبلیغات موجود داخلی علیه حکومت بحیث دست نشانده بریتانیا نیست. این تبلیغات خطر فوری نداشته، ولی احتمال اقدامات مستقیم روسیه، در صورتی که آنها فکر کنند که میدان را در افغانستان باخته اند، موجود است.» (۲۰)

مقامات انگلیسی هم از نشر اسرار شان در روزنامه ها و جراید هراس زیاد داشتند. طور مثال میتوان از تلگرام وزیر دولت برای امور خارجه هند نام برد که در عکس العمل مقابل نشر مقاله «دیلی میل» Daily Mail یا «پوست روزانه» راجع به اوضاع افغانستان فرستاده شده است. این روزنامه در مقاله به قلم سیسل رایس (Cecil Rice) بتاريخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۲۹ نوشته بود که نادر از حرکات حبیب الله (کلکانی) توسط سه نفر از پشتون های شجاع اطلاع حاصل میکند. سفارت انگلستان در کابل توسط هندی ها، عمدتاً آن پشتون هائی محافظت میشود که [بعد از خروج انگلیس ها] در آنجا مانده تا از منافع استخدام کننده شان حفاظت کنند. این سه نفر با شفر ذریعه دستگاه مخفی بیسیم اطلاعات را به شخصی [بنام ایم ای حکیم] در پشاور میرسانند که به نفع نادر خان فعالیت میکند. وزیر دولت برای امور خارجه هند میپرسد که این اقدامات توسط همفریز سفیر انگلستان در کابل اتخاذ شده بود، اما «رایس» این معلومات رسمی را از کجا بدست آورده است؟ او میخواهد منبع معلومات «رایس» مورد تحقیق قرار گرفته و از نشر مضامین بعدی او در «دیلی میل» جلوگیری شود.

گرچه مقامات انگلیسی تا حدی موفق شدند از انتشار چنین مضامین در مطبوعات انگلستان جلوگیری کنند، اما نتوانستند جلو آنرا در نشرات هند بریتانوی و کشور های غربی بگیرند، مثلاً جریده زمیندار بر علاوه مضامین دیگر و چشمدیدهای مدیر مسؤل جریده، بتاريخ ۸ دسمبر دو مضمون راجع به ارتباطات نادرخان با انگلیس ها و وعده خلاقی ها و سوگند شکنی هایش نوشت. (۲۱)

روزنامه معتبر واشنگتن پوست هم تحت عنوان «پیروزی انگلیس، کمک های ضد اتحاد جماهیر شوروی» در رابطه با اوضاع نا آرام و آشوب در تمام ایالت سرحدی شمال غربی که حیثیت دروازه ورودی هند از سمت افغانستان و روسیه را دارد، نوشت که در سابق چنین وضعیتی سبب میشد تا انگلیس ها مضطربانه نگران حرکات روس ها، بگفته کیپلنگ «خرس هائیکه مثل آدم راه میروند»، باشند تا چه وقتی از انسوی خیبر با سرنیزه تهاجم آنی خواهند کرد. اما این تهدید رو به محو شدن است، زیرا در افغانستان نادرشاه، کسی که بر تخت این کشور ناقرار کوهستانی نشسته است، به سرعت در حال ساختن یک حائل قوی بین سرزمین هند و روسیه میباشد. در پاداش به این ترک پالیسی شاه امان الله، نادرشاه کمک های مداوم و وافر پولی و اسلحه را از انگلیس ها دریافت میکند. یک ارسال

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دوامدار مواد جنگی از خیبر به نهبان و دروازه بان جدید بریتانیا در جریان دارد. پول بشکل «قرضه» داده میشود، اما بریتانیا کمترین توقع بازپرداخت را ندارند. (ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ:

1. کشکی، برهان الدین (۱۳۱۰). نادر افغان: جلد اول که مشتمل بر اجمال حیات اعلیحضرت محمد نادر شاه از ولادت تا بدو سلطنت میباشد، صفحات ۳۴۹ تا ۳۵۱.
2. عیناً نطق اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی به تقریب افتتاح اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان، یوم دوشنبه ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ ش (مطابق با ۶ جولای ۱۹۳۱ میلادی)، صفحات ۱۱ و ۱۲.
3. ویلیام فریزر نیتلر یکی از مأمورین انگلیسی در ایالت سرحدی شمال غربی، کسی بود که بعد از ترک وطن غازی امان الله خان مأموریت نظارت و رساندن او را از بندر بمبئی تا فرانسه داشت، و در دوران زمامداری خانواده محمدنادرخان بحیث سفیر انگلیس در کابل ایفای وظیفه مینمود.
4. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۱۲ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.
5. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۴۴ مؤرخ ۳۰ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، L/P&S/10/1203.
6. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۱۱۹ مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203.
7. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۱۲۵۸ مؤرخ ۲ اپریل ۱۹۲۹ وزیر دولت برای امور خارجه هند، L/P&S/10/1203.
8. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۳ مؤرخ ۱۹ می ۱۹۳۰ سفیر انگلیس برای افغانستان، L/P&S/10/13010.
9. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۶۳۸ مؤرخ ۲۱ نومبر ۱۹۲۹ وزیر امور خارجه برای هند، L/P&S/10/13010.
10. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام مؤرخ ۲۹ مارچ ۱۹۲۹ معاون کمشنر بنو.
11. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۹۲ مؤرخ ۸ اپریل ۱۹۲۹ سفیر کابل انگلستان از شیمله به وزیر دولت در امور خارجه.
12. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۳۳ مؤرخ ۱۱ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
13. اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت محرمانه شماره ۶۳۰ مؤرخ ۳ جولای ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت کرم پاراچنار.
14. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره مکتوب محرمانه عاجل شماره ۱۵۰۶ مؤرخ ۱۵ جون ۱۹۲۹ حکومت ایالت سرحدی شمال غربی از نتیه گلی.
15. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۰ مؤرخ ۷ می ۱۹۲۹ شیخ محبوب علی آتشته امور شرقی در پشاور.
16. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۸۵۰-۵۲ سی مؤرخ ۱۰ سپتمبر ۱۹۲۹ پولیتیکل پاراچنار.
17. اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب محرمانه عاجل شماره ۱۸۹ ایف مؤرخ ۸ نومبر ۱۹۲۹ ایالت سرحدی شمال غربی از پشاور L/P&S/10/13010.
18. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۰۸ مؤرخ ۶ دسمبر ۱۹۲۹ ایالت سرحدی شمال غربی از پشاور L/P&S/10/13010.
19. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۶۰۸ مؤرخ ۹ دسمبر ۱۹۲۹ به وزیر دولت در امور هند، لندن L/P&S/10/13010.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

۲۰. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۰ مؤرخ ۱۷ جون ۱۹۳۰ وزیر مختار انگلیس در کابل
.L/P&S/10/13010
۲۱. اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۷۴۹ مؤرخ ۲۳ دسمبر ۱۹۲۹ پشاور .L/P&S/10/13010

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ